

متن پرسش

سلام: حالتون خوبه میلاد امام حسین مبارک. مطلبی به ذهنم رسیده که چون اثبات علمی و روشمند و مطمئن مذاهب و ادیان در توان مردم نیست و شیعه و سنی و غیره عموماً به تقلید پرداخته اند ولو ایمان محکم هم داشته اند و دل مردم به سبب گناه برای تشخیص حق کافی نیست آن هم زمانی که علمای مذاهب بی آن که فسق عملی داشته باشند متحیر بوده اند. پس قطعاً خدا به شیعه تکلیف نکرده و کلیات و مثلاً رد معاویه و یزید کافی است و ایمان بی جهت به عصمت هم نه تنها ارزش نیست چون راه مطمئنی نپیموده نسبت دادن چیزی که نمی دانیم به دین است. جواب و نظر شما چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در آیهی ۳۳ سورهی احزاب صریحاً نظر به عصمت اهل البیت «علیهم السلام» شده است. در این رابطه می‌توانید به کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» صفحهی ۱۳۱ که روی سایت هست، رجوع فرمایید. قسمتی از آن بحث، ذیلاً خدمتتان ارسال می‌شود: موفق باشید

خداوند در قرآن می‌فرماید: «...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» [۱] ای اهل البیت؛ فقط و فقط خداوند خواسته تا شما را از هرگونه پلیدی بزدايد و اعتقاد باطل و اثر عمل زشت را از شما پاک کند و شما را به موهبت عصمت اختصاص دهد. با دقت در آیهی تطهیر نکات زیر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱- «رِجْس» از نظر لغت چون با «ال» آمده، یعنی هرگونه پلیدی جسمی و روحی. یعنی اهل البیت(ع) را خداوند از هرگونه پلیدی پاک کرده است.

۲- بیش از ۷۰ حدیث که بیشتر آنها از اهل سنت است اقرار دارند که «اهل بیت» شامل، رسول خدا(ص) و حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین «علیهم السلام» می‌باشد.

۳- اُمّ سلمه می‌گوید: بعد از آمدن آیهی تطهیر، رسول خدا(ص) عباي خود را بر سر حضرت علی و همسر او و حسنین «علیهم السلام» انداختند و گفتند: بارالها! اینها آل محمداند. من گوشه‌ی عبا را بالا زدم که وارد شوم، حضرت آن را از دست من کشیدند و گفتند: تو بر خیر هستی (یعنی تو زن خوبی هستی) ولی جای اینجا نیست.

سؤال: با توجه به این که قبل و بعد آیه زنان پیامبر(ص) را مورد خطاب قرار داده، چرا آیه شامل زنان پیامبر نمی‌باشد؟

جواب: اولاً: هیچ کس تا حال قائل به عصمت زنان پیامبر نشده، در حالی که آیه خبر از عصمت «اهل بیت» می‌دهد و در آیه‌ی مباحله هم ثابت شد زنان پیامبر(ص) به آن معنا معصوم نیستند که بتوانند لعنت الهی را بر کاذبین جعل کنند و لذا در کنار اهل بیت پیامبر(ص) یک نفر از زنان پیامبر هم وارد مباحله نشد. [۲]

ثانیاً: هم‌هی روایات از سنی و شیعه پنج تن مذکور را به عنوان اهل بیت معرفی کرده‌اند. [۳]

ثالثاً: اگر آیه مربوط به زنان پیامبر بود ضمیر «عَنْكُن» که قبل از آیه به صورت جمع مؤنث بود باید ادامه می‌یافت و نه این که وقتی موضوع اهل بیت را به میان می‌آورد بفرماید «عنکم» یعنی ضمیر را عوض کند.

چنانچه ملاحظه بفرمایید در این قسمت از آیه سخن از اراده و مشیت خاص خداوند به میان آمده و این نشانه‌ی آن است که مسئولیت مهمی را می‌خواهد بر دوش اهل بیت پیامبر بگذارد که چنین مسئولیتی با وظیفه‌ی همسران پیامبر که در آیات قبل آن‌ها را توصیه کرده که در خانه‌هایشان ملازم باشند متناسب نیست. از طرفی روایات متعددی از محدثین اهل سنت هست که رسول خدا همسران خود را شامل اهل بیت ندانسته‌اند. [۴] حاکم در کتاب مستدرک از قول ام سلمه می‌گوید که: آیه‌ی تطهیر در خانه‌ی من نازل شد و به دنبال آن پیامبر(ص) پیکي را به خانه‌ی فاطمه(س) فرستاد تا علی و فاطمه و حسن و حسین(ع) را نزد آن حضرت فرا خواند. آن‌گاه فرمودند: خدایا! اینها اهل بیت من‌اند. گفتم: یا رسول الله، من از اهل بیت شما نیستم؟ فرمودند: تو از نیکان اهل من هستی ولی اینان اهل بیت من هستند. [۵]

۴- بنا به روایات و همچنین با توجه به سیاق آیه، جای اصلی آیه اینجا نبوده و به دستور پیامبر بعد از نزول به این صورت تنظیم شده، و این روش در کلیه‌ی آیات مربوط به اهل‌البیت هست که در بحث مستقلی به آن می‌پردازیم.

۵- چون اراده و خواستن در آیه‌ی تطهیر را منحصر به اهل‌البیت(ع) کرده و گفته «إِنَّمَا»، پس اولاً: این تطهیر، آن تطهیر عمومی که خداوند برای همه‌ی مسلمین اراده کرده، نیست، و اگر این تطهیر همان تطهیری بود که برای سایرین خواسته دیگر مقام خاصی برای اهل‌البیت محسوب نمی‌شد. ثانیاً: چون خداوند تشریحاً طهارت و تزکیه را برای همه‌ی انسان‌ها خواسته، پس طهارتی که در این آیه برای اهل‌البیت(ع) اراده کرده، تطهیر تشریحی نبوده بلکه تطهیر تکوینی است، یعنی طهارت و عصمتی است موهبتی که در اثر آن، نیروی فوق‌العاده باطنی عصمت در آن‌ها ایجاد شده است، تا آن‌ها نمونه‌ی

کامل صحیح زندگی کردن برای بشریت باشند.

۶- معلوم است که قرآن يك واقعت متعالي است که باید از طریق قلب با آن تماس گرفت، و در سوره‌ي واقعه مي‌فرماید: «إِنَّهُ لَفُزَّانٌ كَرِيمٌ، فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» [۶] آن قرآن، قرآن بلندمرتبه‌اي است، در کتابي پنهان، کسی نمی‌تواند با آن تماس بگیرد مگر مطهرون. «ال» در المطهرون نشانه‌ي عهد ذهني است، يعني آن مطهروني که ذکر آن رفته و شما آن‌ها را مي‌شناسيد. از طرفي تنها در آيه‌ي تطهير از اهل بيت به عنوان مطهرون نام برده پس مي‌توان نتیجه گرفت اهل البيت(ع) هستند که به طور مطلق مي‌توانند با حقيقت قرآن تماس بگیرند و عمده‌ی وظیفه‌ی ما آموختن راه طهارت است از صاحبان اصلي طهارت، تا بتوانيم با نور قرآن مرتبط شويم و به نشاط فوق‌العاده‌اي که در اين ارتباط به دست مي‌آيد نائل گرديم.

[۱] - سوره‌ي احزاب، آيه‌ي ۳۳.

[۲] - ابن جرير و طبراني آورده‌اند که رسول خدا(ص) فرمود: «أَنْزَلْتُ هَذِهِ الْآيَةَ فِي خَمْسَةٍ: فِيَّ وَ فِي عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ فَاطِمَةَ» اين آيه يعني آيه تطهير در مورد پنج کس نازل شده که عبارتند از من و علي و حسن و حسين و فاطمه‌ا. از طرفي در سوره تحریم خداوند دو نفر از زنان پیامبر(ص) را به باد انتقاد مي‌گیرد و مفسرين اهل سنت آن‌ها را عايشه و حفصه معرفي مي‌کنند. حال چطور مي‌توان چنين تطهيري را به زنان پیامبر(ص) نسبت داد. در ضمن اصل روايت کساء به نقل از احمد حنبل همان پنج تن را به عنوان اهل بيت معرفي کرده است.(ابن طاوس، الطرائف / ترجمه‌ي داود إلهامي، ص: ۴۷۴)

[۳] - در اين مورد مي‌توان به خصائص نسائي، ص ۴ و مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۴۱۶ و ده‌ها کتاب ديگر از اهل سنت رجوع کرد.

[۴] - جامع‌الاصول، ج ۱، ص ۱۰۳، صواعق ابن حجر، ص ۱۴۸.

[۵] - مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۴۱۶. أسد الغالب، ج ۲، ص ۱۲ و ۲۰.

[۶] - سوره‌ي واقعه، آيات ۷۷ تا ۷۹.